



راز مخالفت با «ابن عربی» چیست؛ فهم زبان محی الدین برای خواص، هم سخت است

ابن عربی در حیطه تفسیری، ارائه دهنده تفسیرهای عمیق و چالش برانگیز از تمام عقاید بنیادی نظری و عملی اسلام است که بر پایه تأویل شگرف بنا شده است.

ابن عربی در حیطه تفسیری، ارائه دهنده تفسیرهای عمیق و چالش برانگیز از تمام عقاید بنیادی نظری و عملی اسلام است که بر پایه تأویل شگرف بنا شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، محی الدین ابن عربی، شیخ اکبر، صرفاً یک عارف نبود، بلکه یک نظام ساز فکری بود که توانست عرفان اسلامی را به یک دانش تحلیلی و نظری کامل تبدیل کند. آثار او چنان عمیق و جامع است که گفته می شود عارفان نظری پس از وی، در حقیقت شارحان اندیشه های او بوده اند و عرفان نظری با قلم او به نظم و کمال نهایی خود دست یافته است.

محمد بن علی ابن عربی، ملقب به شیخ اکبر، در شهر مرسیه اندلس (اسپانیا) متولد شد. او دوران جوانی را در اشبیلیه، که مرکز بزرگ علمی بود، گذراند و در علوم متداول زمانه، از جمله قرائت قرآن، حدیث و ادبیات، سرآمد شد. با این حال، روح پویانده و تشنه حقایق غیبی او، او را به سمت مجاهدت، ریاضت و سیر و سلوک کشاند.

تحول معنوی و مکاشفات

نقطه عطف زندگی او، تحول معنوی و نیل به مقام کشف و شهود در دوران جوانی بود. این کشف و عیان، او را در مقابل ابن رشد، فیلسوف معروف و نماینده راه عقل و برهان، قرار داد. این ملاقات تاریخی، نماد تقابل و در عین حال همزیستی دو جریان بزرگ فکری در جهان اسلام بود. ابن عربی آثار خود را حاصل الهام قلبی الهی، در خواب یا در حالت مکاشفه می دانست، که خود نشان دهنده اتکای او به شهود و نه صرفاً استدلال عقلی است. این مکاشفات، محتوای غنی و در عین حال مبهم، رمزآمیز و دشوار آثارش را شکل داد.

ابن عربی به واسطه خلق آثار بسیار، پرتألیف ترین صوفی مسلمان شناخته می شود. تعداد آثار او را تا حدود ۵۱۱ عنوان نیز ذکر کرده اند که تمامی علوم دینی، از جمله حدیث، تفسیر، فقه، سیره، و نیز علوم غریبه را با رویکرد صوفیانه دربر می گیرد. مهم ترین آثار او، دو دانشنامه ی عرفانی عظیم یعنی «فصوص الحکم» و «فتوحات مکیه» هستند که به گفته جامی، آنچه از معارف صوفیه در این دو کتاب آمده، در هیچ کتاب دیگری یافت نمی شود.

مبانی اندیشه های عرفانی

نظام فکری ابن عربی، یک نظام کامل و شاملی است که بر مبنای تجارب عرفانی او استوار شده و دارای سه رکن اساسی است:

وحدت وجود، آموزه اصلی و اساسی عرفان اوست. اصل این نظریه بر این مبناست که وجود، حقیقتی یگانه و ازلی است (حق مطلق)، و هر آنچه در عالم کثرت (آفرینش و مظاهر آن) دیده می شود، وجودی غیر حقیقی است که صرفاً تصویری یا تجلی از آن وجود یگانه است. هرچند ممکن است این اصطلاح توسط خود ابن عربی به کار نرفته باشد، اما جوهره ی تفسیر او از نظام آفرینش است که تبیین آن، تلاش های بسیاری از مفسران بعدی را طلبیده است.

رکن بعدی اسماء الله و ولایت است. نظام عرفانی شیخ اکبر بر ایمان به جایگاه باطنی اسماء الهی بنا شده است. اسماء الله، اسباب و مجلای هستند که خداوند با آن ها خود را در جهان آشکار می سازد و اساس معرفت و ریشه آفرینش اند. ابن عربی ولایت را یکی از اسماء الهی می داند و به همین دلیل، آن را دائمی و برتر از نبوت تشریعی می شمارد. این ولایت، همواره نیازمند نمودی انسانی است که همان اولیا الهی هستند.

انسان کامل رکن بعدی است. انسان کامل، مفهوم محوری و کلیدی در عرفان ابن عربی است که برای اولین بار به صورت گسترده در آثار او مطرح شد. انسان کامل تجلی کامل اسماء الهی و خلیفه خدا بر روی زمین است. او کون جامع نامیده می شود، چرا که مجموعه حقایق الهی و حقایق موجود در عالم را در خود جمع دارد. خلقت با او آغاز و با او پایان می یابد و عامل برپایی و محافظ عالم است. مصداق کامل انسان کامل، پیامبر اسلام (ص) و پس از او، ولی الله است که راهنمای موجودات به

ابن عربی در حیطه تفسیری، ارائه دهنده تفسیرهای عمیق و چالش برانگیز از تمام عقاید بنیادی نظری و عملی اسلام است که بر پایه تأویل شگرف بنا شده است.

روش ابن عربی، اتکای فوق العاده به تأویل است، که در آن مفاهیم دینی از منظر عرفانی تبیین می شوند. منابع تعالیم او آمیخته ای از متون دینی و سنت های فکری مختلف است. در بعد فقهی، موضع او عدم پیروی از ائمه اربعه اهل سنت و اجتهاد شخصی بود. اما مهم تر، مخالفت صریح او با قیاس است. او در فتوحات مکیه به صراحت می گوید: «و اما القیاس فلا اقول به و لا اقلد فیه جملة واحدة» (و اما قیاس، پس من بر طبق آن رأی نمی دهم و یکسره و به طور کلی در این مسأله، تقلید نمی کنم). این موضع، او را به موضع فقهی شیعه امامیه در عدم اعتبار قیاس نزدیک می سازد.

مذهب ابن عربی، یکی از بحث برانگیزترین مسائل تاریخی است. در حالی که او در محیط و حکومت سنی اندلس و شام می زیست، برخی از بزرگترین عالمان شیعه (مانند شیخ بهایی، قاضی نورالله شوشتری، و ملاصدرا) او را شیعه اثنا عشریه می دانند و دلایل خود را عمدتاً بر موارد زیر استوار می کنند:

عبارات او در باب ۳۶۶ فتوحات مکیه پیرامون مهدی موعود (عج)، توصیف او به عنوان «خلیفه خداوند»، تأکید بر زنده و غایب بودن او، و سرزنش فقهایی که با احکام او به دلیل مخالفت با آرای ائمه اربعه مخالفت می کنند، دقیقاً موافق با اعتقادات شیعه امامیه است. عباراتی چون ذکر دوازده برج فلکی «بر مثال وجود پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اثنا عشر (ع)» و اشاره به حدیث منزلت، دلیلی بر اعتقاد او به امامت دوازده گانه قلمداد شده است.

قائلان به تشیع او، اختلاف ظاهری برخی مطالب وی با عقاید امامیه را به دلیل تقیه شدید در آن زمان (به دلیل جو خفقان و به قتل رسیدن شیعیان) می دانند. ابیات او در اظهار مودت آل طه، و تصریح به واقعه غدیر خم، دلیلی بر ارادت باطنی او به اهل بیت (ع) تلقی شده است.

مخالفت ها با ابن عربی

مخالفت با محیی الدین ابن عربی و اندیشه های او، ریشه ای عمیق و چندوجهی دارد و عمدتاً حول محورهای فکری و سلوکی خاص او شکل گرفته است.

محور اصلی مناقشات، نظریه ی وحدت وجود است که شالوده ی عرفان نظری او به شمار می رود؛ مخالفان، به ویژه برخی متکلمین و فقها، این نظریه را به وحدت خالق و مخلوق و حلول یا اتحاد تفسیر کرده اند که از نظر آنان، مستلزم کفر و خروج از توحید اسلامی است، چرا که معتقدند چنین ایده ای مرز بین خدا (حق) و جهان (خلق) را مخدوش کرده و اجرای احکام شریعت (امر و نهی) را بی معنا می سازد.

از سوی دیگر، زبان ابن عربی مملو از اصطلاحات فلسفی و عرفانی دشوار و مبهم است که برای فهم عامه، و حتی بسیاری از خواص، دوپهلوی می نماید؛ این ابهام باعث شده است تا مخالفان، او را به ایجاد بدعت های فکری و طرح مطالبی «خلاف عقل و شرع» متهم کنند، تا جایی که او را ممیت الدین (کشنده ی دین) و ماحی الدین (محوکننده ی دین) خوانده اند.

همچنین، نظریه ی او در باب ولایت و جایگاه خاتم الاولیاء نیز عامل عمده ای در مخالفت ها بوده است؛ ابن عربی ولایت را از حیث باطنی و معرفتی، برتر از نبوت تشریعی می شمارد که این دیدگاه، به شدت مورد نقد قرار گرفت.

علاوه بر این، روش کشفی و تأویلات باطنی ابن عربی که مدعی بود آثارش حاصل الهامات قلبی و مکاشفات غیبی است، مورد انتقاد قرار گرفت؛ برخی معتقدند که اتکای افراطی به تأویل، به معنای نادیده گرفتن معنای ظاهری و قطعی نصوص دینی است و هرج و مرج در فهم دین ایجاد می کند؛ افزون بر این، موضع فقهی ابن عربی در ترک مطلق قیاس و رد تقلید در فقه، با اجماع فقهای اهل سنت در تضاد بود و از این جهت نیز هدف انتقاد شدید قرار گرفت. به طور خلاصه، مخالفان ابن عربی بر این باورند که او با طرح مفاهیم عمیق و بحث برانگیز چون وحدت وجود، مرزهای توحید و شریعت را زیر سوال برده و با روش سلوکی خود، جایگاه نهایی نبوت را تضعیف کرده است.

تأثیر بر الهیات شیعی و حکمت عرفانی

فارغ از مناقشه مذهب، تأثیر ابن عربی بر الهیات شیعی ایران، حیاتی و موجب یک جهش بزرگ در این حوزه شد. همانندی فکری او با معارف شیعه، باعث شد که عالمان بزرگی چون ملاصدرا و شارحان مکتب او، آموزه های ابن عربی (به ویژه وحدت وجود و انسان کامل) را در حکمت و فلسفه شیعی ادغام کنند و موجب آغاز «عصر زرین حکمت عرفانی» در جهان اسلام شوند. این نفوذ، نشان می دهد که اندیشه های او فراتر از مرزهای مذهبی، به عنوان یک سرمایه فکری عظیم پذیرفته شده است.